

## رویکردهای پیکره‌ای به تحلیل انتقادی استعاره، چارتریس - بلک، انتشارات پالگریو مک‌میلان، ۲۷۲ صفحه.<sup>۱</sup>

در سال‌های اخیر، مطالعه استعاره از قالب سنتی و شناختی فراتر رفته و از منظر کاربردشناختی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. لیکاف (۲۰۰۲) معتقد است که ساختار معنای استعاری، درک و فهم انسان را شکل می‌دهد و تأثیرات آن ایدئولوژیک است (بیلینگ<sup>۲</sup> و مک‌میلان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵: ۴۷۷) و در این صورت بازنمایی معنای استعاری، وظیفه تحلیل گفتمان انتقادی است. لیکاف معتقد است که حزب محافظه‌کار نسبت به حزب لیبرال، بیشتر از استعاره استفاده می‌کند و وقتی این استعارات به صورت اصطلاح مورد پذیرش قرار می‌گیرند، محافظه‌کاران، درک و فهم ما را از جهان شکل می‌دهند. او معتقد است که استعارات، خوشه‌های معنای فرهنگی را می‌سازند. نقطه قوت تحلیل لیکاف تأکید بر گذر و حرکت فرهنگی و ایدئولوژیک استعارات است. تأثیر ایدئولوژیک ساختار فرهنگی استعارات، ساده نیست و اصطلاح استعاری می‌تواند معنای لفظی را چنان کدر نماید تا به پنهان‌سازی ایدئولوژی منجر شود. استعاره فراتر از اجزای کلام است و کارکرد آن گفتمانی است که فضاهای نظم سیاسی را، از طریق ایجاد مشروعیت سیاسی، بنا می‌کند. این مشروعیت، ویژگی گفتمانی است و تاحدی در درون استعاره نهفته است. قدرت مشروعیت‌سازی استعاره از طریق لفظی‌شدگی<sup>۴</sup> آن مشهود است. از منظر لیکاف و ترنر (۱۹۸۹) تنها استعارات قراردادی می‌توانند ایدئولوژی‌ها را پنهان نگاه دارند و علاوه بر آن، استعارات قراردادی نیز می‌توانند ایدئولوژی‌ها را ساخته و بازتولید کنند. کامرون<sup>۵</sup> (۲۰۰۳: ۵۰۸)، در بحث استعاره، رویکرد گفتمانی استعاره را معرفی کرده است. او علاوه بر جنبه‌های زبانی و شناختی، در مطالعه استعاره، به جنبه‌های کاربردشناختی هم پرداخته است. محققان زیادی، از جمله دیرون<sup>۶</sup> (۱۹۹۰ و ۲۰۰۳)، گوتلی<sup>۷</sup> (۱۹۹۷ و ۲۰۰۷)،

- 
1. Charteris-Black, J. (2004). *Corpus Approaches to Critical Metaphor Analysis*. New York: Palgrave MacMillan.
  2. M. Billing
  3. K. Macmillan
  4. literalization
  5. L. Cameron
  6. R. Dirven
  7. A. Goatly

ماسولف<sup>۱</sup> (۲۰۰۴)، ملج<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) و دیگران در زمینه کارکردهای استعاره در گفتمان تحقیق کرده‌اند و به نتایج بسیار خوبی رسیده‌اند. در راستای این تحقیقات، چارتریس- بلک، تحلیل انتقادی استعاره را از منظر رویکرد پیکره‌ای ارائه کرده است. کتاب **رویکردهای پیکره‌ای به تحلیل انتقادی استعاره**، شامل پنج فصل است. در فصل اول، بحث نظری استعاره از منظر چارتریس بلک و دیگران ارائه شده است. نویسنده در این فصل رویکردهای پیکره‌ای مختلفی را درباره استعاره معرفی می‌کند. از منظر او تحلیل انتقادی استعاره، منظری است که جنبه‌های مختلف تحلیل انتقادی گفتمان، تحلیل پیکره‌ای، کاربردشناسی و زبان‌شناسی شناختی را در یک نقطه جمع می‌کند. از منظر چارتریس- بلک، تحلیل زبانی از علوم اجتماعی دیگر نظیر سیاست، جامعه‌شناسی، مطالعات رسانه‌ای و تاریخ جدا نیست. این رویکرد، تبیین استعاره را در گفتمان، براساس تحلیل زبانی، شناختی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. ریکور<sup>۳</sup> (۱۹۷۸: ۸۰)، معتقد است که استعاره، دو بخش مفقوده متفاوت، از بافت‌های متفاوت را در معنای ساده کنار هم قرار می‌دهد. بنابراین با انتقال ساده واژه‌ها سروکار نداریم، بلکه با تعامل بین افکار و بافت‌ها سروکار داریم. به عبارت دیگر، استعاره، جایگزینی واژه به جای واژه دیگر نیست، بلکه نقش اصلی استعاره، ارتباط بین دو بافت است. مثلاً در استعاره عشق به مثابه سفر، شاهد ارتباط بین دو بافت ملاموس سفر و بافت انتزاعی عشق هستیم. استعاره، هم در گسترش و توسعه چارچوبی مفهومی برای بازنمایی عقاید جدید، و هم در فراهم کردن واژه‌های جدید برای پر کردن خلأ واژگانی، مؤثر و فعال است. نقش استعاره می‌تواند هم معنایی، جهت تغییر نظام مفهومی، و هم سبکی، جهت انتقال ارزیابی قدرت باشد. تحلیل انتقادی استعاره، رویکردی است که همانند تحلیل گفتمان انتقادی، سعی در آشکارسازی نیت پنهان (و احتمالاً ناآگاهانه) کاربران زبان دارد. کامرون و لو (۱۹۹۹: ۸۸)، سه مرحله را در روش‌شناسی تحلیل استعاره معرفی کرده‌اند: ۱. روش‌شناسی تحلیل استعاره، شامل جمع‌آوری نمونه‌هایی از استعارات زبانی درباره موضوع، ۲. ارتباط و عمومیت‌بخشی از استعارات زبانی به استعارات مفهومی زیرساختی آن‌ها، ۳. استفاده از نتایج، جهت پیشنهاد الگوهای فهم و تفکر سازنده و یا محدودکننده اعمال و عقاید و باورهای مردم. بنابراین فصل مشترک تمام رویکردهای معرفی شده در این فصل، تأکید بیشتر بر جنبه کاربردشناختی و رویکردهای پیکره‌ای در تحلیل استعاره است. نویسنده

1. A. Musolff

2. Z. Maalej

3. P. Ricoeur

### رویکری انتقادی به تحلیل پیکره‌ای ...

در این زمینه، پیکره‌های متنی مختلف، از جمله گفتمان سیاسی، گزارشات ورزشی و اقتصادی و گفتمان دینی را مورد بررسی قرار داده و کارکرد ایدئولوژیک استعاره را در این گفتمان‌ها نشان داده است.

در فصل دوم، نویسنده کاربرد استعاره در گفتمان سیاسی، از جمله گفتمان‌های حزب کارگر، بیانیه‌های سیاسی حزب بریتانیا و سخنرانی‌های کاندیدای ریاست‌جمهوری آمریکا را مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیقات استعاره نشان می‌دهد که استعاره‌های زیادی، با حوزه مبدأ دین در گفتمان سیاسی، به کار رفته‌اند، که از طریق استعاره مفهومی سیاست به مثابه دین، برانگیخته شده‌اند. استعارات در اقناع اهداف گفتمانی گفتار سیاسی، به خاطر درگیر کردن عواطف و تسهیل کشف احتمالات، باارزش هستند و نقش مهمی در دستیابی شنونده به انتظارات و باورها و عقایدشان دارند. همچنین دارای پتانسیل ایفای نقش ایدئولوژیک به لحاظ اجتماعی، در گفتمان سیاسی هستند. در گفتمان‌های سیاسی آمریکا، رایج‌ترین استعارات، در گفتمان استعارات حوزه‌های ورزش و جنگ موجودند (هوی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸: ۸۹). در حوزه گفتمان سیاسی، عواملی بافتی وجود دارند که بر انتخاب‌های سبکی استعارات خاص تأثیر می‌گذارند، اما اهداف زیرساختی گفتمانی ترغیب و استدلال احتمالاً ثابت باقی می‌مانند. توصیف و طبقه‌بندی، در تحلیل انتقادی استعاره، شامل توصیف حوزه‌های مبدأ استعاره، و تفسیر شامل تبیین انتخاب استعارات و بنیاد مفهومی آن‌ها است. استعارات به کاررفته در گفتمان سیاسی بریتانیا حول مفاهیم حوزه‌های مبدأ درگیری و تقابل، ساختمان، سفر، گیاهان و دین، و گفتمان سیاسی آمریکا، شامل نزاع، حرکت، تجربه حسی، باورها، تعامل با محیط فیزیکی و آگاهی جسمانی است. حوزه مبدأ در استعاره‌های نزاع، شامل جنگ، نبرد، محافظت و تهدید است. استعاره‌های ساختمان، شامل بحث به مثابه ساختمان، نظریه به مثابه ساختمان و جامعه به مثابه ساختمان است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که استعارات به کاررفته در این گفتمان‌ها با یکدیگر فرق دارند و علی‌رغم این تفاوت‌ها، همه این استعارات دارای کارکرد ایدئولوژیک هستند.

در فصل سوم، نویسنده، کاربرد استعاره در مطبوعات ورزشی و اقتصادی را مورد بررسی قرار داده است. تغییرات در نمونه‌های استعارات به کار رفته در گفتمان اقتصادی، منعکس‌کننده و تاحدی تغییردهنده ایدئولوژی و باورهاست و جنبه ایدئولوژیک استعاره در گزارش اقتصادی مهم است. نظریه اقتصادی نئوکلاسیک، شامل پنهان‌سازی عاملیت است. یعنی از استعاره‌ها، در

---

1. N.Howe

گفتمان اقتصادی، جهت پنهان‌سازی عامل و کنشگر استفاده می‌شود. زبان انتخاب شده در گزارش خبری اقتصادی، بر تداوم ایدئولوژی بازار آزاد تأکید دارد (همان، ۱۶۸). استعارات پربسامد اقتصادی، شامل اقتصاد به‌مثابه انسان، مشکلات اقتصادی به‌مثابه فجایع طبیعی، و تغییرات بازار به‌مثابه حرکت‌های فیزیکی هستند. استعاره مفهومی اقتصاد به‌مثابه انسان، شامل استعاره‌های زبانی تجارت به‌مثابه درگیری و نزاع فیزیکی و تجارت به‌مثابه حالتی از سلامت ذهنی است. استعاره مفهومی مشکلات اقتصادی به‌مثابه فجایع طبیعی، شامل استعارات زبانی بازار بد به‌مثابه زمین‌لرزه و تغییرات بازار روبه‌پایین به‌مثابه فاجعه است. و استعاره مفهومی تغییرات بازار به‌مثابه حرکت‌های فیزیکی، شامل استعاره‌های زبانی تغییرات بازار به‌مثابه روش‌های حرکت در آب، تغییرات بازار به‌مثابه روش‌های حرکت روی زمین و تغییرات بازار به‌مثابه روش‌های حرکت در هوا است. پربسامدترین استعاره به‌کاررفته در گفتمان ورزشی، شامل ورزش به‌مثابه جنگ است و حوزه‌های مبدأ استعاره، در این گفتمان، شامل درگیری و بقا است. استعاره مفهومی ورزش به‌مثابه جنگ، شامل استعاره زبانی پیروزی در مسابقه فوتبال به‌مثابه پیروزی در جنگ است.

در فصل چهارم، نویسنده کاربرد استعاره در گفتمان مذهبی، از جمله در انجیل و قرآن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

### ۱. استعاره در انجیل

نویسنده معتقد است که استعاره، نقش محوری در اندیشه دینی دارد و روش طبیعی بیان مفاهیم معنوی محسوب می‌شود. استعاره در متون دینی، زیاد به‌کار می‌رود زیرا ابزاری اصلی و اولیه برای مفهوم‌سازی چیزهای ناشناخته برحسب چیزهای شناخته است. کارکرد عاطفی زبان در دین، نقش محوری دارد و استعاره، ابزاری برای برانگیختن عواطف است. بنابراین زبان دینی تاحدزیادی از طریق استعاره و نمادین‌سازی زبانی ترسیم می‌شود. توزیع استعارات، نقش مهمی در انعکاس تغییر در معیارها، از عهد قدیم به عهد جدید، دارد. در عهد قدیم، حوزه‌های مقصد استعاره، انتقام، خشم و تخریب هستند، درحالی‌که حوزه‌های مقصد استعاره عهد جدید شامل ایمان، درک و بخشش هستند. استعاره، پایه و اساس پیام انسانی متناوب و متباین عهد جدید را فراهم می‌کند. شواهدی دال بر وجود تفاوت‌های زبانی و مفهومی، بین استعارات عهد قدیم و جدید وجود دارد. اهمیت استعاره در خلق و ایجاد پیوستگی در انجیل، در سطح انتزاعی و

## رویکری انتقادی به تحلیل پیکره‌ای ...

ناآگاهانه مشهود است. تقابل بین عهد قدیم و جدید، و تغییر نگاه فلسفی، و نیز پیوستگی، بدون استعاره غیرممکن است. بنابراین استعاره منبع اصلی انتقال عقاید و باورهای اصلی و کانونی، ارزش‌ها و معیارها و فلسفه مسیحیت است.

### ۲. استعاره در قرآن

از منظر نویسنده، استعاره در انجیل بیشتر از قرآن به کار می‌رود و محتوای بسیاری از سوره‌های قرآن اصلاً استعاری نیست و در نتیجه مجموعه مشخص و روشنی از دستورالعمل‌ها برای کارکرد اجتماعی ارائه می‌شود. حوزه‌های زایای مبدأ استعاره در قرآن شامل سفر (مسیر، بار، قدم، به سمت جلو) ۶۲٪، هوا (باد، باران، برف، نگرگ، طوفان، سرما، گرما، خشک‌سالی، شب‌نیم) ۴۴٪، آتش و نور (نور، آتش، تاریکی، کم‌عمقی، شعله، روشنایی، مشعل، شمع، طلوع و ... ) ۴۰٪ و گیاهان ( بذر، رشد، ریشه، درخت، میوه، شاخه، برداشت، غنچه، شکوفه و ... ) ۲۵٪ است. بیشترین اهمیت و کاربرد استعاره در تمثیل‌های قرآنی است. وجه شباهت کلیدواژه‌های استعاری، حوزه‌های نشانه و راهنمای مفهومی و استعارات مفهومی در متون قرآن و انجیل بیشتر از تفاوت‌های آن‌هاست. در هر دو متن، استعارات سفر، آتش و نور و هوا مهم، و براساس استعارات مفهومی، نظیر معنویت هستند. استعارات برجسته‌کننده قدرت تنبیه و مجازات الهی در قرآن گسترده‌تر است. استعارات برپایه نشانه و راهنمای مفهومی معنویت به‌مثابه پدیده طبیعی (مثلاً رشد معنوی به‌مثابه رشد طبیعی) در انجیل زایاتر از قرآن است. استعارات شامل حوزه‌های واژگانی غذا، خوردن و حیوانات در انجیل زایاتر از قرآن است. برخی از استعارات، خاص هر یک از متون است. وجود این نوع استعارات نشان‌دهنده تفاوت‌های برجسته در دو نظام دینی و اعتقادی و اصول دینی است. البته نکته حائز اهمیت این است که نویسنده از ترجمه انگلیسی قرآن جهت استخراج استعاره استفاده کرده است، و ممکن است همه استعارات قرآن، در ترجمه به زبان انگلیسی، به‌نحو احسن منتقل نشده باشند.

در فصل پنجم، نظریه گفتمانی استعاره مطرح شده است. تحلیل انتقادی استعاره، امکان توصیف و امتحان روابط متقابل بین حوزه‌های مختلف را ایجاد می‌کند. معناشناسی شناختی یکی از ابعاد استعاره را، که توسط تحلیل انتقادی استعاره آشکار شده، یعنی ترغیب و استدلال را پنهان می‌سازد. بنابراین در بسیاری موارد، انتخاب استعاره از طریق ایدئولوژی برانگیخته می‌شود و استعاره متفاوت، ایدئولوژی‌های متفاوت را منتقل می‌کند و استعارات یکسان، به

روش‌های مختلف، از منظر ایدئولوژیک به‌کار می‌روند. جنبه‌های مختلف حوزه مبدأ با چشم‌اندازهای ایدئولوژیک مختلف مطابقت دارد. نویسنده معتقد است که دیدگاه معنایی استعاره باید با دیدگاه کاربردشناختی همراه گردد و این جنبه کاربردشناختی، دیدگاه‌های شناختی یا معنایی درباره استعاره را رد نمی‌کند بلکه ادعا می‌کند که انتخاب‌های استعاره، تحت حاکمیت ملاحظات شناختی، معنایی و کاربردشناختی و همچنین ملاحظات ایدئولوژیک، فرهنگی و تاریخی‌ست. نویسنده معتقد است که جنبه‌های فردی و اجتماعی بر انتخاب استعاره در گفتمان تأثیر دارند. جنبه‌های فردی، شامل سه زیرمجموعه شناختی و عاطفی، کاربردشناختی و زبانی است. جنبه‌های اجتماعی برای انتخاب استعاره شامل چشم‌اندازهای ایدئولوژیک اساساً دیدگاه‌های سیاسی یا مذهبی و دانش تاریخی و فرهنگی هستند. انگیزه فرهنگی، ایدئولوژیک و عاطفی به‌منظور ترغیب ساختن استعاره، برای اهداف ارتباطی با یکدیگر ترکیب می‌شوند. تقدم هر یک از ملاحظات زبانی، شناختی، کاربردشناختی، ایدئولوژیک، فرهنگی و تاریخی به دو عامل بستگی دارد. این دو عامل شامل بررسی استعاره از منظر فرد رمزگذار یا رمزگشای استعاره و میزان حاکمیت عوامل آگاهانه یا ناآگاهانه بر انتخاب استعاره هستند.

به‌نظر می‌رسد که نظریه مطرح‌شده توسط چارتریس - بلک، از منظر تأثیر عوامل مختلف فردی و اجتماعی بر انتخاب استعاره و تقدم و تأخر هر یک از ملاحظات زبانی، شناختی، کاربردشناختی، فرهنگی و تاریخی و ایدئولوژیک، از مباحث بسیار مهم در مطالعه استعاره محسوب شده و در واقع، نویسنده ایده جدیدی در مطالعه استعاره را به محققان، برای مطالعات بعدی استعاره، معرفی کرده است. این نظریه در بین نظریه‌های مطرح‌شده در مطالعه استعاره، از این حیث بسیار حائز اهمیت است.

اهمیت این کتاب بیشتر به‌خاطر ترکیب بحث‌های نظری درباره استعاره، همراه با مطالعات کاربردی آن است. در بحث مطالعات پیکره‌ای، از انواع (ژانر) مختلف گفتمانی، از جمله سیاسی، اقتصادی، ورزشی و مذهبی استفاده شده است که این موضوع به جامعیت کتاب افزوده است. اهمیت دیگر این کتاب ارائه رویکردی جدید در مطالعات استعاره و فراتر از رویکردهای سنتی و شناختی مطرح شده است، و علاوه بر جنبه‌های بلاغی و شناختی استعاره، به جنبه مهم کاربردشناختی آن توجه شده است. نویسنده کتاب، در واقع جنبه‌های مختلف استعاره را در مطالعات پیکره‌ای مورد توجه قرار داده است و نکته آخر این که نویسنده در مطالعات پیکره‌ای

### رویکری انتقادی به تحلیل پیکره‌ای ...

به‌مقایسه کاربرد استعاره و کارکردهای آن در انواع (ژانر) گفتمانی مختلف، از جمله اقتصادی و ورزشی، و همچنین در درون نوع گفتمان دینی، بین انجیل و قرآن انجام داده است.

### **ابراهیم رضاپور**

دانشگاه سمنان

### **منابع**

- Billing, M. & K. MacMillan (2005). "Metaphor, idiom and ideology: the search for "no smoking guns" across time". London: sage, Vol 16 (4): 459-480.
- Cameron, L. (2003). *Metaphor in Educational Discourse*. London: Continuum.
- \_\_\_\_\_ & G. Low (eds.) (1999). *Researching and Applying Metaphor*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Charteris-Black. J. (2004). *Corpus Approaches to Critical Metaphor Analysis*. New York: Palgrave MacMillan.
- Dirven, R. (1990). "Metaphor and ideology". in: J. P. Von Noppen (ed.), *La pratique de la metaphor*. Brussels.
- \_\_\_\_\_ & R. Frank & M. Pütz (eds.) (2003). *Cognitive models in language and thought: Ideology, metaphors and meanings*. Berlin and New York: Mouton de Gruyter, 353-393.
- Goatly, A. (1997). *The Language of Metaphors*. London: Routledge.
- \_\_\_\_\_ (2007). *Washing the Brain: Metaphor and Hidden Ideology*. Amsterdam: Benjamins.
- Howe, N. (1988). "Metaphor in Contemporary American Political Discourse". *Metaphor and symbolic activity*, 3/2, 87-104.
- Lakoff, G. & M. Johnson (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- \_\_\_\_\_ & M. Turner (1989). *More than cool reason: A field guide to poetic metaphor*. Chicago/ London: The University of Chicago Press.
- \_\_\_\_\_ (2002). *Moral Politics: How Liberals and Conservatives Think*. Chicago: The University of Chicago Press, 415-418.
- Maalej, Z. (2007). "doing critical discourse analysis with the contemporary theory of metaphor: towards a discourse model of metaphor" in *Cognitive Linguistics in Critical Discourse Analysis: Application and Theory*, edited by Christopher Hart and Dominik Lukeš.
- Musolff, A. (2004). *Metaphor and Political Discourse. Analogical Reasoning in Debates about Europe*, Basingstoke.
- Ricoeur, P. (1978). *The rule of metaphor: multidisciplinary studies in the creation of meaning*. Routledge.